

بسم الله الرحمن الرحيم

ما اصابك من حسنة فمن الله و ما اصابك من سيئة فمن نفسك (نساء ۷۹)

روش شناسی استدلال ادبی قرآن به قرآن در روایات اهل بیت علیهم السلام

علی نظامی، محسن بهرامی

شاخه پژوهشی گروه طلبگی تا اجتهاد

مدرسه علمیه مبارکه معصومیه

پاییز و زمستان ۱۴۰۱

چکیده:

با نگرارش تفسیر شریف المیزان روش تفسیر قرآن با قرآن بار دیگر به صورت وسیعی در میان حوزه های علمیه مطرح گردید. این روش که به تعبیر علامه طباطبایی رحمه الله در مقدمه ی کتاب شریف المیزان آموخته شده از خود حضرات معصومین علیهم السلام در روایات است در طی این چهارده قرن همواره مورد استفاده ی محققین و علمای حوزه های علمیه بوده است ولیکن متأسفانه مانند بسیاری از مباحث روش شناختی کم تر مورد توجه مستقل قرار گرفته است. اخیراً آثار متعددی درباره تفسیر قرآن با قرآن تالیف شده است که در این آثار تاریخ این گونه تفسیر و آثار نگاشته شده توسط مفسرین متمایل به آن، مفصل بحث شده است. آنچه در این مقاله به دنبال آن هستیم گرچه به نوعی ذیل تفسیر قرآن با قرآن قرار می گیرد اما از نقاطی است که مورد توجه قرار نگرفته است و سالها مغفول عنه واقع شده است. عمده پرداخت ها به تفسیر قرآن با قرآن تبیین مفهومی و مصداقی جملات و واژگان قرآن با قرآن است و کمتر به قاعده شناسی ادبی قرآن با قرآن دقت شده است. پیش تر درباره استفاده نحویون و به طور خاص ابن هشام از استدلال ادبی قرآن با قرآن مقاله ای تقدیم شده بود. گرچه ابن هشام اشاره ای به استفاده از این روش توسط حضرات معصومین علیهم السلام ننموده است اما حق این است که هر کس به این روش تمسک بسته است به برکت تعلیم از معارف اهل بیت علیهم السلام در این روش بوده است. در ادامه با ارائه ی نمونه هایی از کاربرد این روش توسط حضرات اهل بیت علیهم السلام مشخص می شود که ایشان در زمینه های مختلف علوم ادبی مثل نحو و صرف و بلاغت و لغت از این روش استفاده نموده اند.

مقدمه و ضرورت بحث:

از یک طرف یکی از مقدمات فهم متون دین اسلام، آشنایی با ادبیات عربی است. همچنین تعلّم ادبیات عربی بمعنی شناختن قواعد حاکم بر زبان در راستای فهم معانی کلمات و جملات، نیازمند استحصال قواعد صحیح این ادبیات است. از طرف دیگر قرآن بنیاد بودن معارف اسلامی مطلب متفق علیهی است که کمتر عالمی یافت می شود که در آن شبهه کرده باشد. علامه طباطبایی رحمه الله درباره تفسیر قرآن به قرآن می فرماید:

سيطلع الباحث المتدبر في الروايات المنقولة عنهم عليهم السلام، أن هذه الطريقة الحديثية^١ التي بنيت عليها بيانات هذا الكتاب، أقدم الطرق المأثورة في التفسير التي سلكها معلموه سلام الله عليهم. (الميزان في تفسير القرآن، ج ١ ص ١٤)

اما اعتقاد به ضرورت قرآن بنيادی معارف اسلامی و بازگشت همه معارف به قرآن کریم جدای از مطرح بودن در برخی آیات خود کتاب الله العزیز، در دسته ای از روایات هم مطرح شده است. مثلا:

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «كُلُّ شَيْءٍ مَرْدُودٌ إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ، وَكُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ، فَهُوَ زُخْرُفٌ»^٢.

همان گونه که در این روایت آمده است همه چیز به قرآن کریم و روایات بر می گردد و خود روایات نیز باید به قرآن کریم برگشت داده شوند و به کمک قرآن کریم زخرف و غیر زخرف از آنها مشخص شود. احادیث دیگری نیز با این مضمون وجود دارد که بر متتبع پوشیده نیست.

در مقاله استدلال ادبی قرآن با قرآن از منظر ابن هشام نیز که پیشتر تقدیم شده بود کلام علما در این باره تقدیم شد^٣.

اما این نکته چه ارتباطی با استدلال ادبی قرآن با قرآن دارد در ادامه مشخص خواهد شد ان شاء الله.

پیشینه و مبادی تصویری:

این که قرآن کریم اسلوب خاص خود را دارد و ادبیات قرآن کریم عیاری برتر از ادبیات عرب در زمانه ی خود و پیش و پس از آن داشته است متفق علیه است و نیازی به بحث ندارد. اما استخراج و تدوین این ادبیات فاخر قرآنی از دغدغه هایی است که باعث شده است بسیاری از پژوهشگران ادبیات عرب به سمت تدوین کتبی مبتنی بر این ادبیات بروند. از جمله به دو نمونه کتاب در این زمینه اشاره می شود:

^١ مقصود ایشان روش تفسیر و تبیین قرآن با قرآن است

^٢ تفسیر العیاشی، ج ١، ص: ٨ و ٩ در این باب هفت حدیث ذکر شده است. همچنین رجوع بفرمایید به الکافی (ط - الإسلامية)، ج ١، ص: ٦٩ بابُ الأُخْذِ بِالسُّنَّةِ وَ شَوَاهِدِ الْكِتَابِ

^٣ در سایت طلبگی تا اجتهاد موجود است.

دراسات لاسلوب القرآن الكريم، محمد عبدالخالق عظيمه، نشر دارالحدیث، قاهره، ۱۳۹۲ هـ. ق

الإتقان في النحو و إعراب القرآن. هادی نهر العیبي، عالم الکتب الحدیث. عمان چاپ ال ۱۴۳۱.

در باره این موضوع که آیا ادبیات قرآن کریم با ادبیات عرب مرسوم تفاوت داشته است و عربی مبین سبک و اسلوب خاصی بوده است نیز در رساله مقدمه ای بر زبان شناسی اسلامی مفصل بحث شده است که ان شاء الله به زودی در سایت طلبگی تا اجتهاد منتشر می گردد.

نمونه ها و مصادیق:

این که در فهم قرآن از چه منابعی کمک بگیریم فوق العاده بر فهم ما از قرآن کریم موثر است. یقیناً کسی که قرآن را با شعر جاهلی بفهمد فهم متفاوتی از کسی دارد که قرآن کریم را به کمک خود مطالب موجود در قرآن کریم و روایات شریفه بفهمد. اهل بیت علیهم السلام در فهم ادبی قرآن کریم مکرراً به خود آیات این کتاب الهی استناد فرموده اند. در بین نحویون و اهل ادبیات عرب نیز قوی ترین حجت در همه ی شاخه ها چه صرف و چه نحو و چه بلاغت و چه لغت شواهد قرآنی است و در کتب مختلف مانند الاقتراح سیوطی در اصول نحو به این مهم اشاره و تصریح شده است. مثلاً ملا جلال الدین سیوطی می نویسد:

الحمد لله الذي كرم العربية فجعلها لغة كتابه العظيم، و جعل القرآن الكريم مادة قوية لحفظ اللغة، و بناء قواعدها، فكانت الآيات أساساً قوياً لوضع قواعد النحو، و كان الاستشهاد بالقرآن الكريم، و القياس عليه منهلاً عذباً، استنبط منه علماء النحو أصولهم السماعية، و قاسوا على الآيات كلامهم، و على ذلك تم وضع قواعد النحو على أسس قوية ثابتة لا تتغير، و لا يعتريها الضعف، و لا يدركها الاضمحلال. (الاقتراح في علم اصول النحو، ص ۳)

در ادامه نمونه هایی از کاربرد روش استدلال ادبی قرآن با قرآن در روایات شریفه تقدیم می گردد.

استدلال لغوی قرآن با قرآن (مفهومی - مصداقی):

عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ ... قَالَ وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ قَالَ الْحَتْمُ هُوَ الطَّبْعُ عَلَى قُلُوبِ الْكُفَّارِ عُقُوبَةً عَلَى كُفْرِهِمْ

كَمَا قَالَ عَزَّ وَجَلَّ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص: ۱۲۳ و ۱۲۴)

در روایت شریفه ی بالا ملاحظه می گردد که حضرت برای تبیین مفهومی ختم نسبت به قلوب کفار از کاربرد طبع در همین تعبیر در آیه ی دیگری استفاده فرموده اند و از استدلال لغوی قرآن به قرآن در حوزه مفهوم استفاده فرموده اند.

عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام عن أبيه الباقر عليه السلام: إن أهل البصرة كتبوا إلى الحسين بن علي عليه السلام يسألونه عن الصمد فكتب إليهم: ... و إن الله قد فسر سبحانه الصمد فقال «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُؤَلَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» (التوحيد (للصدوق)، ص: ۹۱)

در این روایت شریف نیز برای تبیین لغوی معنای صمد از قرآن کریم کمک گرفته شده است.

در روایات دیگری برای تبیین مصداق جزء و کثیر و ... نیز در متون وصیت ها به استعمالات قرآنی ارجاع شده است که در کتاب شرح لمعه مورد اشاره قرار گرفته بود و نیاز به یادآوری نیست.

استدلال نحوی قرآن با قرآن:

قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ وَ سُئِلَ عَنِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ اجِبُ هُوَ عَلَى الْأُمَّةِ جَمِيعًا فَقَالَ لَا فَقِيلَ لَهُ وَ لِمَ قَالَ إِنَّمَا هُوَ عَلَى الْقَوِيِّ الْمُطَاعِ الْعَالِمِ بِالْمَعْرُوفِ مِنَ الْمُنْكَرِ لَا عَلَى الضَّعِيفِ الَّذِي لَا يَهْتَدِي سَبِيلًا إِلَى أَيِّ مِنْ أَيِّ يَقُولُ مِنَ الْحَقِّ إِلَى الْبَاطِلِ وَ الدَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَوْلُهُ وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَهَذَا حَاصُّ غَيْرِ عَامٍّ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مِنْ قَوْمٍ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ وَ لَمْ يَقُلْ عَلَى أُمَّةٍ مُوسَى وَ لَا عَلَى كُلِّ قَوْمٍ وَ هُمْ يُؤْمِنُونَ أُمَّةٌ مُخْتَلِفَةٌ وَ الْأُمَّةُ وَاحِدَةٌ فَصَاعِدًا كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ. (الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۵، ص: ۵۹ و ۶۰)

در این حدیث شریف دو بار از استدلال ادبی قرآن به قرآن استفاده شده است. یکی درباره وجود و اثبات "من" بعضیه از آیات دیگر شاهد آورده شده است و یکی درباره دلالت امه بر حداقل یک نفر و بیشتر که استدلال لغوی قرآن با قرآن در فضای تطبیق مصداق است.

استدلال صرفی قرآن با قرآن:

عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَخِيهِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يَنْسَى وَلَا يَنْسَهُوَ وَإِنَّمَا يَنْسَى وَيَسْهُو الْمَخْلُوقُ الْمُحَدَّثُ أَلَا تَسْمَعُهُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا وَإِنَّمَا يُجَازِي مَنْ نَسِيَهُ وَنَسِيَ لِقَاءَ يَوْمِهِ بِأَنْ يُنْسِيَهُمْ أَنْفُسَهُمْ كَمَا قَالَ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ وَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ - فَأَلْيَوْمَ نَنْسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا أَيُّ نَتْرُكُهُمْ كَمَا تَرَكُوا الْإِسْتِعْذَادَ لِلِقَاءِ يَوْمِهِمْ هَذَا.. (التوحيد (للصدوق)، ص: ١٦٠)

در روایت شریفه ی بالا نیز برای تبیین کاربرد نسی در انسی یعنی کاربرد صیغه مجرد در معنای باب افعال از تبیین و استدلال ادبی قرآن به قرآن استفاده شده است.

استدلال بلاغی قرآن با قرآن:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَالِبِ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيْبِ قَالَ: كَانَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعِظُ النَّاسَ وَيُرْهِدُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَيُرْغَبُهُمْ فِي أَعْمَالِ الْآخِرَةِ بِهَذَا الْكَلَامِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَحُفِظَ عَنْهُ وَكُتِبَ كَانَ يَقُولُ أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ ... وَ اللَّهُ لَقَدْ وَعَظَكُمْ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِغَيْرِكُمْ فَإِنَّ السَّعِيدَ مَنْ وَعِظَ بِغَيْرِهِ وَ لَقَدْ أَسْمَعَكُمْ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ مَا قَدْ فَعَلَ بِالْقَوْمِ الظَّالِمِينَ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى قَبْلَكُمْ حَيْثُ قَالَ وَ كَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَ إِنَّمَا عَنَى بِالْقَرْيَةِ أَهْلَهَا حَيْثُ يَقُولُ وَ أَنشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ (الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٨، ص ٧٢ تا ٧٤)

در این روایت شریفه هم برای فهم مجاز مرسل در قصمنا قریه از ادامه آیه ی شریفه و تعبیر قوما آخرین کمک گرفته شده است و از استدلال ادبی قرآن با قرآن برای تبیین مجاز مرسل بودن قریه استفاده شده است.

جمع بندی:

همان گونه که در این مقاله بیان شد روش استدلال ادبی قرآن با قرآن روشی تاریخی است و شروع آن توسط ائمه ی اطهار علیهم السلام بوده است و سبک تفسیری ایشان نسبت با لغات و قواعد کتاب الهی استفاده از خود کتاب الهی بوده است. لذا شایسته است این روش بر روش استفاده از اشعار جاهلی که در زمان امویه به همت

معاویه و خاندانش در مقابل قرآن کریم زنده شد و از انس عرب با آن اشعار در مقابل قرآن کریم سوء استفاده نمود احتراز شود و سعی شود تا از این سبک اهل بیت علیهم السلام استفاده شود.

منابع:

منابع این مقاله کلا از نرم افزار جامع التفاسیر و جامع الاحادیث و قواعد ادبیات عرب تولید شده توسط مرکز تحقیقات رایانه ای نور است به استثنای دو کتابی که معرفی شد از آقایان عبدالخالق عضیمه و هادی نهر که اطلاعات ماخذشناختی آنها در ضمن معرفی در متن مقاله تقدیم شد.

و لله الحمد اولاً و آخراً